

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع:

پژوهشی نوین در اثبات حقانیت علی بن ابیطالب(علیه السلام) در جنگ ها با تکیه بر منابع اهل سنت

مهدی طوسی

چکیده

یکی از ویژگی های امیرمومنان (صلوات الله علیه) در طول حیات مبارک ایشان جنگ های متعددی بوده است که در آن پیروز شده اند، در ادامه جریانات این جنگ ها گروه های مخالف ایشان با سوء استفاده از اتفاقات این جنگ ها که به فرمان خدا و پیامبرش انجام شده است، به مقابله با ایشان پرداخته و در مواقع بسیاری از ایشان به دلیل سلحشوری های متعدد و به قتل رساندن تعداد زیادی از مشرکین شخصیتی بی رحم تصویر کرده اند، بدیهی است که جهاد فی سبیل الله که به دستور خدا و رسولش انجام شده باشد، همراه حق بوده است و بی رحمی در آن راه ندارد و این ها صرفاً نیز اتهاماتی است که دشمنان در طول تاریخ علیه ایشان مطرح کرده اند، بنابراین پژوهش پیش روی با رویکرد توصیفی - تحلیلی به بررسی اقوال مختلف تاریخی می پردازد تا ضمن اثبات حقانیت ایشان در تمام جنگ ها، با دو ویژگی استفاده از بیانات پیامبر گرامی اسلام و بهره وری از منابع مرجع اهل سنت ضمن تقویت غنای علمی این بحث غبار ظلم از چهره ایشان زدوده شود.

کلید واژگان:

امیرالمومنین(صلوات الله علیه)، حقانیت، جنگ، فئه باغیه، عمّار

مقدمه:

همواره در تاریخ بشریت یکی از راه های متداول برای تخریب و ترور شخصیتی افراد مهم و سرشناس، متهم کردن آنان به صفات رذیله ای مانند خشونت، خونریز بودن و اهل صلح و سازش نبودن است، اینکه این صفات انسانی نبوده و مورد تایید عقل و شرع نمی باشد نیز در آن شکی نیست کما اینکه ملائکه الهی در اعتراض به خداوند متعال بعد از خلقت انسان صفت خونریز بودن مخلوق جدید را نقطه اعتراض خود قرار داده و خطاب به خداوند گفتند: آیا کسی را در آن (منظور بعنوان جانشین بر روی زمین است) قرار می دهی که فساد و خونریزی کند؟^۱

یکی از اشخاصی که در تاریخ اسلام مورد این اتهام سخیف قرار گرفته و مورد ظلم واقع شده است امیرالمومنین (صلوات الله علیه) است، مانند روایتی که در مصنف ابن ابی شیبه از عبد الله بن شقیق روایت شده که در آن از عالمی نصرانی درباره خلفای مسلمین سوال می کنند و او خلیفه چهارم یعنی امیرالمومنین (صلوات الله علیه) را فردی خونریز معرفی می کند^۲، یا در نقلی دیگر خلیفه اموی عمر بن عبدالعزیز، عثمان بن عفان را به امیر المومنین (صلوات الله علیه) برتری می دهد زیرا به نظر وی کسی که در جمع آوری مال دنیا یعنی عثمان کوشش می کند برتر از کسی است که در خونریزی کوشش می کند^۳.

اتهامات فوق در حالی توسط دشمنان امیرالمومنین (صلوات الله علیه) مطرح می شود که خود آنان نیز در خونریزی، جنگ و پایمال کردن حقوق دیگران نیز بی نظیرند مانند فاجعه کشتار و اسارت اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که در کربلا اتفاق افتاد^۴ و واقعه حرّه که به رهبری مسلم بن عقبه به کشتار مردم مدینه انجامید^۵.

درباره این موضوع بسیار مهم که رکنی از ارکان عقاید شیعیان را تشکیل می دهد در کتب متقدم و متاخر تاریخی به صورت تفصیلی نیز به آن پرداخته شده است اما به دو کتاب مهم که مطالبی در این موضوع گردآوری کرده اند اشاره می کنیم، کتاب (السلطه و صناعة الوضع و التاویل) تالیف علامه سید کمال حیدری و کتاب شریف (اسانید فضائل امیرالمومنین علی حسب قواعد الجرح و التعديل عند اهل السنه) تالیف شیخ باسّم الحلّی.

^۱ سوره مبارکه بقره/آیه ۳۰/ ترجمه مکارم شیرازی

^۲ ابو بکر عبد الله بن محمد بن أبي شيبه العيسی الكوفي، مصنف ابن ابی شیبه، جلد ۱۵ صفحه ۲۱۴ حدیث ۳۸۸۴۲

^۳ ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، جلد ۱۰ صفحه ۳۴۹

^۴ ابومخنف، لوط بن یحیی، وقعة الطف، جلد ۱ صفحه ۲۱۹

^۵ ابن قتیبہ دینوری، الامامة و السياسة، جلد ۱، صفحه ۱۷۹-۲۶۵

برخی از مورخان وابسته به دربار بنی امیه سعی کرده اند که در تاریخ نگاری های خود حقیقت را وارونه جلوه دهند و صفات رذیله ای که خود در آن پیشتاز هستند را به امیرالمومنین (صلوات الله علیه) نسبت دهند. ما در این نوشتار بر آن هستیم که در ابتدا اثبات کنیم:

۱. تمام جنگ های امیرالمومنین (صلوات الله علیه) در زمان حیات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و سال های خلافت ایشان با حقانیت کامل و ماموریتی الهی همراه بوده است.

۲. استدلال هایی که دشمنان امیرالمومنین (صلوات الله علیه) برای حقانیت خودشان اعم از آیات قرآن و روایات نبوی استفاده کرده اند تحریف و دروغ بوده است و با هر استدلال بیش از پیش بطلان خودشان را اعلام کرده اند.

۱- شواهدی بر حقانیت امیرالمومنین (صلوات الله علیه) در تمام جنگ ها

۱. در روایات زیادی وارد شده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جنگ های امیرالمومنین (صلوات الله علیه) را تایید کرده اند که در ادامه به بیان چند مورد از آن ها می پردازیم:

۱-۱. علی بن ابی بکر هیشمی در روایتی از صبیح نقل کرده است: عن صبیح قال : كنت بباب النبي صلى الله عليه و سلم ف جاء علي وفاطمة والحسن والحسين فجلسوا ناحية فخرج رسول الله صلى الله عليه و سلم إلينا فقال : إنكم علي خير . وعليه كساء خيبري فجللهم به وقال : أنا حرب لمن حاربكم سلم لمن سالمكم . صبیح می گوید: بر درب منزل رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بودم که علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) وارد شدند و در محلی نشستند، رسول خدا به سمت ما حرکت کردند و خطاب به آن ها فرمودند: هر کس با شما بجنگد، من با او می جنگم و صلح می کنم با کسی که با شما صلح کند.^۶ همچنین این حدیث از طریق دیگری به وسیله ابوهریره نیز نقل شده است.^۷ به همین صورت نیز این روایت در مسند احمد نقل شده است.^۸

۱-۲. در روایتی دیگر سعد بن ابی وقاص نیز اینگونه نقل می کند: در مواجهه با شخصی که مخالف او در زمینه ولایت بود از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل کرد: (عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ، أَوْ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ حَيْثُ كَانَ). طبق این حدیث که سعد نقل کرده است او نیز معتقد است که حق و حقانیت همیشه و در تمام فتنه ها همراه امیرالمومنین (صلوات الله علیه) است، همچنین او نیز برای اثبات و تایید بیشتر کلام خود، ام سلمه را شاهد بر این ماجرا قرار می دهد و ام سلمه در برابر سوال آن ها از صحت این حدیث اینگونه پاسخ می گوید: قَدْ قَالَهُ رَسُولُ

^۶ نور الدین علی بن ابی بکر الهیثمی، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، جلد ۹ صفحه ۲۶۷ حدیث ۱۴۹۸۹

^۷ همان ص ۲۶۸، حدیث ۱۴۹۹۰

^۸ أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشیبانی، مسند أحمد، جلد ۱۹ صفحه ۳۶۴ حدیث ۹۳۲۱

اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي بَيْتِي. ام سلمه اقرار می کند که رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) این حدیث را در خانه وی بیان فرموده اند.^۹

۳-۱. در روایتی دیگر عبد الله بن سلمه نقل می کند که در روز جنگ صفین، عمار بن یاسر را در حالی که سن زیادی از وی گذشته بود، در حال جنگ دید، عمار نگاهی به عمرو بن عاص که پرچمدار سپاه معاویه بود انداخت و فرمود: إِنَّ هَذِهِ الرَّأْيَةَ قَدْ قَاتَلْتُهَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، وَاللَّهِ لَوْ ضَرَبُونَا حَتَّى يَبْلُغُوا بِنَا سَعَفَاتِ هَجْرٍ لَعَرَفْتُ أَنَّ مَصْلِحَنَا عَلَى الْحَقِّ، وَأَنَّهُمْ عَلَى الضَّلَالَةِ. جناب عمار فرمود: همانا در کنار رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) سه مرتبه با این پرچم جنگیدم، به خدا قسم اگر اینقدر ما را بزنند تا به نخل های بیابانی برسند(کنایه از شکست و کشته شدن آن هاست) همانا می دانم که ما بر حق بودیم و آن ها در مسیر گمراهی.^{۱۰}

۴-۱. در روایت دیگری ابو ثابت که غلام جناب اباذر بود، بعد از جنگ جمل که در کنار امیرالمومنین(صلوات الله علیه) در مقابل سپاه جمل جنگیده بود، به سمت مدینه حرکت کرد و به نزد ام سلمه همسر پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) رفت و درباره اتفاقات جنگ به ایشان خبر داد، ام سلمه از وی پرسید: تو در کدام سپاه جنگیدی؟ ابو ثابت با کنایه جواب داد: در کنار علی بن ابی طالب جنگیدم، ام سلمه در جواب فرمود: أَحْسَنْتَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ» هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ الْإِسْنَادِ. درود بر تو ای ابو ثابت، من از رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که فرمود: علی همراه قرآن است و قرآن نیز همراه علی است، آن دو از یکدیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند.^{۱۱} حقانیت قرآن که در میان گروه های مختلف مسلمین مورد قبول است، در این روایت که توسط ام سلمه بیان شده و حاکم نیشابوری در کتابش آورده و ذهبی نیز صحت آن را اعلام کرده است، بیانگر این است که در تمام وقایع دشمنان امیرالمومنین(صلوات الله علیه) بر مدار کفر و بطلان بوده اند زیرا طبق مفاد این روایت همراهی همیشگی امیرالمومنین(صلوات الله علیه) و قرآن نیز اثبات می شود.

۵-۱. با عنایت به روایت سابق، حدیث دیگری را نقل می کنیم که در آن رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) جنگ های خودشان و امیرالمومنین(صلوات الله علیه) را در دو مرحله مختلف بر مدار حقانیت ضمن حقانیت قرآن بیان می فرمایند: اخضر بن ابوالاخضر از پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می کند: أَنَا أَقَاتِلُ عَلَى تَنْزِيلِ الْقُرْآنِ، وَعَلِيٌّ يِقَاتِلُ عَلَيَّ تَأْوِيلَهُ. من با دشمنان اسلام بر نزول قرآن می جنگم و علی با آن ها در مورد تاویل آن می جنگد.^{۱۲} رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) در این روایت به صراحت اعلام می فرمایند که جنگ های حضرت

^۹ نور الدین علی بن ابی بکر بن سلیمان الهیثمی، کشف الأستار عن زوائد البزار، جلد ۴ صفحه ۹۷

^{۱۰} ابو نعیم أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسی بن مهران الأصبهانی، معرفة الصحابة، جلد ۴ صفحه ۲۰۷۱

^{۱۱} ابو عبد الله الحاکم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدویه بن نعییم بن الحکم الضبی الطهمانی النیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، جلد ۳ صفحه ۳۴

^{۱۲} ابوالفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلانی، الإصابة فی تمییز الصحابة، جلد ۱ صفحه ۱۹۱

امیر برای جلوگیری از تحریف قرآن است، همانگونه که مشرکین با پیامبر با هدف جلوگیری از انتشار قرآن می‌جنگیدند، با امیرالمومنین (صلوات الله علیه) نیز می‌جنگیدند تا معارف قرآن را تحریف کنند و ایشان در مقابل آن‌ها برای جلوگیری از تحریف کلام الله ایستادگی می‌کردند.

۱-۶. در روایتی ارزشمند در تایید مطلب مذکور از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) توسط عبد الرحمن بن بشیر نقل شده که ایشان فرمودند: ذکره الباوردی، وابن منده، وأخرجا من طریق سيف بن محمد، عن السري بن يحيى، عن الشعبي، عن عبد الرحمن بن بشير، قال: كنا جلوسا مع النبي إذا قال: «ليضربنكم رجل على تأويل القرآن كما ضربتكم على تنزيله». فقال أبو بكر: أنا هو يا رسول الله؟ قال: لا. فقال عمر: أنا هو يا رسول الله؟ قال: «لا، ولكن خاصف النعل. فانطلقنا فإذا على يخصف نعل رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم في حجرة عائشة، فبشراها. ابن بشير می‌گوید: در نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نشسته بودیم که ایشان فرمودند: همانا مردی با شما درباره تأویل قرآن خواهد جنگید همانگونه که من درباره تنزیل قرآن با شما جنگیدم. ابوبکر پرسید: آیا آن مرد من هستم؟ فرمودند: خیر. عمر پرسید: آیا او من هستم؟ فرمودند: خیر، او کسی است که در حال وصله زدن کفش من است، ابن بشیر می‌گوید: به قصد دیدن آن مرد از مسجد خارج شدیم که علی را در حال وصله زدن کفش رسول خدا دیدیم، پس به او بشارت این کار را دادیم.^{۱۳}

۲-روایاتی که دلالت بر حقانیت امیرالمومنین (صلوات الله علیه) در جنگ‌های بین مسلمین در زمان خلافت دارند

۱-۲. در روایتی دیگر از ابویوب انصاری نقل شده است: حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ بَالُوَيْهٍ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ يُونُسَ الْقُرَشِيُّ، ثنا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ الْخَطَّابِ، ثنا عَلِيُّ بْنُ غُرَابِ بْنِ أَبِي فَاطِمَةَ، عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ، عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ: «تُقَاتِلُ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ، وَالْمَارِقِينَ بِالطَّرِقاتِ، وَالتَّهْرَوَاتِ، وَبِالشَّعَفَاتِ» قَالَ أَبُو أَيُّوبَ: قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَعَ مَنْ تُقَاتِلُ هَؤُلَاءِ الْأَقْوَامِ؟ قَالَ: «مَعَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ» ابویوب انصاری می‌گوید: شنیدم که رسول خدا به امیرالمومنین (صلوات الله علیهما) فرمودند: با ناکثین، قاسطین و مارقین در طرقات، نهروانات و شعفات خواهی جنگید. ابویوب می‌گوید به رسول خدا عرض کردم: در زمان وقوع این جنگ‌ها همراه چه گروهی باشم؟ فرمودند: همراه علی بن ابی طالب باش.^{۱۴}

۲-۲. در روایتی دیگر در خصوص جنگ‌های سه گانه امیرالمومنین (صلوات الله علیه) فرموده اند: حَدَّثَنَا عَبَّادُ بْنُ يَعْقُوبَ، قَالَ: حَدَّثَنَا الرَّبِيعُ بْنُ سَعْدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ عُبَيْدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبِيعَةَ، عَنْ عَلِيٍّ، قَالَ: عَهْدَ إِلَيَّ رَسُولُ

^{۱۳} أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني، الإصابة في تمييز الصحابة، جلد ۴ صفحه ۲۴۵

^{۱۴} أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني النيسابوري، المستدرک علی الصحیحین، جلد ۳ صفحه ۱۵۰

اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فِي قِتَالِ النَّاكِثِينَ، وَالْقَاسِطِينَ، وَالْمَارِقِينَ. عَلَى بْنِ رَبِيعَةَ مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (صلوات الله عليه) نقل کرده که حضرت فرموده اند: رسول خدا جنگ با ناکثین و قاسطین و مارقین را به من وعده داده اند.^{۱۵}

۲-۳. در روایتی دیگر امیرالمومنین (صلوات الله علیه) فرمودند: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْمُنْذِرِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ نُمَيْرٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا فِطْرُ بْنُ خَلِيفَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ حَكِيمَ بْنَ جَبْرِ، يَقُولُ: سَمِعْتُ إِبْرَاهِيمَ، يَقُولُ: سَمِعْتُ عَلْقَمَةَ، يَقُولُ: سَمِعْتُ عَلِيًّا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ: «أَمَرْتُ بِقِتَالِ النَّاكِثِينَ، وَالْقَاسِطِينَ، وَالْمَارِقِينَ». حضرت فرمودند: من امر به جنگ با ناکثین و قاسطین و مارقین شده ام.^{۱۶}

۲-۴. ربیعہ بن ناقد نقل کرده است که امیرالمومنین (صلوات الله علیه) فرمودند: حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ أَبِي حُصَيْنٍ، قَالَ: نَا جَعْفَرُ بْنُ مَرْوَانَ السَّمْرِيُّ قَالَ: نَا حَفْصُ بْنُ رَاشِدٍ، عَنْ يَحْيَى بْنِ سَلَمَةَ بْنِ كَهَيْلٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي صَادِقٍ، عَنْ رَبِيعَةَ بْنِ نَاجِدٍ قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيًّا، يَقُولُ: «أَمَرْتُ بِقِتَالِ النَّاكِثِينَ، وَالْقَاسِطِينَ، وَالْمَارِقِينَ». حضرت فرمودند: من امر به جنگ با ناکثین و قاسطین و مارقین شده ام.^{۱۷}

۲-۵. در روایتی دیگر عبد الله بن مسعود نقل کرده است: حَدَّثَنَا هَيْثَمُ، نَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْمُحَارِبِيِّ، ثنا الْوَلِيدُ، عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْحَارِثِيِّ، عَنْ مُسْلِمِ الْمَلَائِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ عَلْقَمَةَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، قَالَ: «أَمَرَ عَلِيٌّ بِقِتَالِ النَّاكِثِينَ، وَالْقَاسِطِينَ، وَالْمَارِقِينَ» عبد الله بن مسعود می گوید: علی بن ابی طالب امر به جنگیدن ناکثین و قاسطین و مارقین شده است.^{۱۸}

۲-۶. ابن عساکر در کتاب تاریخش درباره جنگ های سه گانه امیرالمومنین (صلوات الله علیه) اینگونه نقل می کند: سعد بن جنادة عن علي قال أمرت بقتل ثلاثة: القاسطين والناكثين والمارقين فأما القاسطون فأهل الشام وأما الناكثون فذکرهم وأما المارقون فأهل النهروان یعنی الحرورية. سعد بن جنادة از امیرالمومنین (صلوات الله علیه) نقل می کند که حضرت فرمودند: من از جانب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به جنگیدن با سه گروه امر شده ام: قاسطین که اهل شام هستند، ناکثین که اهل جمل هستند و مارقین که اهل نهروان هستند.^{۱۹}

۲-۷. فاکهی در نقلی دیگر از قول عبد الله بن مسعود روایت کرده است: حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ الْكُدَيْمِيُّ مُحَمَّدُ بْنُ يُونُسَ بْنِ مُوسَى قَالَ: ثنا زَكْرِيَّا بْنُ يَحْيَى الْخَزَّازُ قَالَ: ثنا إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَبَّادِ الْمُرِّيُّ قَالَ: ثنا شَرِيكُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مَنْصُورٍ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ عَلْقَمَةَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ بَيْتِ زَيْنَبَ بِنْتِ جَحْشٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، فَدَخَلَ مَنْزِلَ أُمِّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "

^{۱۵} أبو بكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق بن خالد بن عبيد الله العتكي المعروف بالبيزار، مسند البيزار المنشور باسم البحر الزخار، جلد ۳ صفحه ۲۶

^{۱۶} همان، جلد ۲ صفحه ۲۱۵

^{۱۷} أبو القاسم الطبراني، المعجم الأوسط، جلد ۸ صفحه ۲۱۳

^{۱۸} همان، جلد ۹ صفحه ۱۶۵

^{۱۹} ابن عساکر، تاریخ دمشق، جلد ۴۲ صفحه ۴۶۹

يَا أُمَّ سَلَمَةَ، اسْمَعِي وَأَشْهَدِي وَهُوَ يُقَاتِلُ الْمَارِقِينَ وَالْقَاسِطِينَ بَعْدِي، يَا أُمَّ سَلَمَةَ، اسْمَعِي وَأَطِيعِي وَهُوَ يُقَاتِلُ الْمَارِقِينَ وَالْقَاسِطِينَ بَعْدِي، يَا أُمَّ سَلَمَةَ، اسْمَعِي وَأَشْهَدِي لَوْ أَنَّ رَجُلًا عَبْدَ اللَّهِ تَعَالَى أَلْفَ عَامٍ بَيْنَ الرُّكْنِ، وَالْمَقَامِ، وَأَلْفَ عَامٍ بَعْدَ أَلْفِ عَامٍ، ثُمَّ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مُبْغِضًا لِهَذَا"، يَعْنِي عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، " أَكْبَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى وَجْهِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ " عبد الله بن مسعود نقل می کند که پیامبر از منزل زینب بنت جحش خارج و وارد منزل ام سلمه شدند و فرمودند: ای ام سلمه بشنو و شهادت بده او با مارقین و قاسطین بعد از من خواهد جنگید، ای ام سلمه بشنو و اطاعت کن او بعد از من با مارقین و قاسطین خواهد جنگید ای ام سلمه بشنو و شهادت بده که اگر کسی بین رکن و مقام خدا را هزار سال عبادت کند و هزار سال بعد از هزار سال دیگر هم ادامه دهد، سپس خداوند را در حالی ملاقات کند که بغض این مرد یعنی علی بن ابیطالب را در دل داشته باشد، در روز قیامت خداوند او را با صورت در آتش جهنم خواهد کوبید.^{۲۰}

روایات فوق همگی بیانگر این مساله است که دشمنی و جنگ با امیرالمومنین (صلوات الله علیه) مصداق بارز دشمنی و جنگ با خدا و رسول خداست، و اطاعت از وی نیز مساوی با اطاعت از خدا و رسول اوست، بدین معنا که می توان گفت طبق بیانات متعدد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) حضرت امیر در تمام جنگ هایش حقانیت کامل داشته و دشمنان ایشان بر مدار باطل بوده اند.

تا این مرحله با نقل شواهدی اثبات شد حضرت امیر در تمام جنگ ها در زمان رسول خدا و زمان خلافت خودشان، بر حقانیت کامل بوده اند، در ادامه برای تکمیل هر چه بیشتر این مبحث به نقل و بررسی سندی و دلالی برخی روایات و آیات من جمله حدیث عمار نیز می پردازیم.

حدیث عمار

از شخصیت های بسیار مهم در میان صحابه که بسیار مورد عنایت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بود، جناب عمار بن یاسر است که طبق بیان شریف نبوی معیار تشخیص حق و باطل بود، بدین صورت که روایتی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده معروف به حدیث عمار یا فئه باغیه که با بررسی آن حقانیت امیرالمومنین (صلوات الله علیه) به وضوح آشکار خواهد شد:

۱. باید توجه داشت که این حدیث در مصادر معتبر عامه به کثرت نقل شده است و ما در اینجا به اختصار به نقل برخی از آن ها می پردازیم:

۱-۱. در صحیح بخاری این روایت وارد شده است: حَدَّثَنَا مُسَدَّدٌ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ مُخْتَارٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا خَالِدُ الْحَدَّاءُ، عَنْ عِكْرِمَةَ، قَالَ لِي ابْنُ عَبَّاسٍ وَلِابْنِهِ عَلِيٌّ: انْطَلَقَا إِلَى أَبِي سَعِيدٍ فَاسْمَعَا مِنْ حَدِيثِهِ، فَانْطَلَقْنَا فَإِذَا هُوَ فِي حَائِطٍ يُصَلِّحُهُ، فَأَخَذَ رِدَاءَهُ فَاحْتَبَى، ثُمَّ أَنْشَأَ يُحَدِّثُنَا حَتَّى أَتَى ذِكْرَ بِنَاءِ الْمَسْجِدِ، فَقَالَ: كُنَّا نَحْمِلُ لَبْنَةً لَبْنَةً وَعَمَّارٌ

لَبِنَتَيْنِ لَبِنَتَيْنِ، فَرَأَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَيَنْفُضُ التُّرَابَ عَنْهُ، وَيَقُولُ: وَيْحَ عَمَّارٍ، تَقْتُلُهُ الْفِئَةُ الْبَاغِيَّةُ، يَدْعُوهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ، وَيَدْعُوهُمْ إِلَى النَّارِ» قَالَ: يَقُولُ عَمَّارٌ: أُعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْفِتَنِ. مسدد روایت کرده است زمانی که پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) دیدند همه برای ساخت مسجد یک خشت حمل می کنند ولی عمار دو خشت حمل می کند، فرمودند: ای وای درباره عمار، او را گروه سرکش و یاغی می کشند، در حالی که عمار آن ها را به بهشت دعوت می کند آن ها او را به سمت آتش دعوت می کنند(یعنی در مسیر باطل شمشیر می زنند)^{۲۱}. در صحیح بخاری عکرمة در روایتی دیگر همین موضوع را نقل می کند.^{۲۲}

۱-۲. در صحیح مسلم از ام سلمه نقل شده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به عمار فرمودند: تَقْتُلُكَ الْفِئَةُ الْبَاغِيَّةُ. ای عمار تو را گروه ظالم خواهد کشت.^{۲۳} در صحیح مسلم همین روایت از ابوسعید خدری در نقلی دیگر روایت شده است.^{۲۴}

۱-۳. روایت عمار در مسند احمد اینگونه نقل شده است: پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) عمار را در حالی دیدند که دو خشت برای ساخت مسجد حمل می کرد در حالی که باقی اصحاب یک خشت حمل می کردند زمانی که پیامبر علت اینکار وی را پرسیدند، پاسخ داد: من اجر و ثواب بیشتری از خداوند می خواهم، پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) غبار از چهره وی زدودند و فرمودند: وای درباره عمار، گروه ظالم وی را می کشند درحالی که او آن ها را به بهشت دعوت می کند و آن ها او را به آتش^{۲۵}. در ادامه این حدیث دانشمند شهیر شعیب الارنوط صحیح بودن این روایت را بیان می کند. تصریح پیامبر به دعوت کردن عمار به بهشت و دعوت دشمنانش به جهنم بیانگر مسیر آنهاست که در نهایت به بهشت و جهنم منتهی می شود یعنی عمار در راه حق و دشمنانش در راه باطل کشته می شوند.

۱-۴. ابن حبان در کتاب صحیحش این حدیث را اینگونه نقل می کند: ام سلمه می گوید: پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: عمار را گروه ظالم خواهند کشت.^{۲۶} در ادامه این حدیث را شعیب الارنوط نیز تصحیح می کند. بدیهی است وقتی از قاتلان جناب عمار به ظالم عنوان می شود یعنی آن ها در مسیر الهی نیستند.

^{۲۱} محمد بن إسماعيل أبو عبد الله البخاري الجعفي، صحيح البخاري، جلد ۱ صفحه ۹۷

^{۲۲} همان، جلد ۴ / صفحه ۲۱

^{۲۳} مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري، المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم، جلد ۴ صفحه ۲۲۳۶

^{۲۴} مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري، المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم، جلد ۴ صفحه ۲۲۳۵

^{۲۵} أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني، مسند الإمام أحمد بن حنبل، جلد ۱۸ صفحه ۳۶۸

^{۲۶} محمد بن حبان، الإحسان في تقريب صحيح ابن حبان، جلد ۱۵ صفحه ۵۰۳

۵-۱. البانی در جامع الصغیر اینگونه روایت را نقل و تصحیح می‌کند: ویح عمار تقتله الفئة الباغية يدعوهم إلى الجنة ويدعونه إلى النار. (صحیح). وای بر عمار، او را گروه ظالم خواهند کشت در حالی که او آن‌ها را به بهشت دعوت می‌کند و آن‌ها او را به آتش.^{۲۷}

چندین مورد از روایاتی که در منابع مهم اهل سنت نقل شده است را مشاهده کردید که همگی آن‌ها به یک معنا و مفهوم اشاره داشتند و آن نیز این بود که جناب عمار در راه حق جنگیده و به شهادت رسیده است و دشمن او نیز بر مدار باطل است و این بدین معناست که امیرالمومنین (صلوات الله علیه) در جنگ صفین طبق بیانات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بر حق بوده‌اند زیرا عمار فرمانده سپاه ایشان بوده و توسط دشمنان ایشان به شهادت رسیده است. حال ممکن است در این مرحله برخی به این مساله استدلال کنند که حدیث با اینکه تعدد نقل دارد ولی متواتر نیست، پس برای ما پذیرفته نیست، در جواب این‌ها نیز افرادی که تواتر این حدیث را اقرار کرده‌اند نام می‌بریم:

۱-۲. ابن عبد البر در کتابش ضمن نقل این روایت به تواتر آن نیز اعتراف می‌کند: ابن عبد البر می‌گوید: روایاتی از پیامبر متواتر است که فرمودند عمار را گروه ظالم به قتل می‌رسانند، این خبر دادن از غیب توسط ایشان و از نشانه‌های نبوت ایشان است که از صحیح ترین روایات است.^{۲۸}

۲-۲. مزی در تهذیب الکمال درباره این روایت اینگونه می‌گوید: حدیث صحیح متواتر.^{۲۹}

۳-۲. ذهبی در سیر اعلام النبلاء: مِنَ الصَّحَابَةِ، فَهُوَ مُتَوَاتِرٌ^{۳۰} روایت عمار از صحابه متواتر است، در تاریخ الاسلام نیز گفته است: هو متواتر عن النَّبِيِّ^{۳۱} ضمن نقل این روایت و طرق آن نیز از افراد مختلف گفته است متواتر از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

۴-۲. صفدی در مورد این روایت اینگونه بیان می‌کند: خبر شهادت عمار به دست ظالمان متواتر است، این خبر نیز از نشانه‌های نبوت و اخبار غیبی و صحیح ترین اخبار نقل شده است^{۳۲}.

۵-۲. کتانی در نظم المتناثر ۳۱ نفر از صحابه را نام می‌برد که روای حدیث عمار هستند.^{۳۳}

^{۲۷}البانی، صحیح الجامع الصغیر وزیادته، جلد ۲ صفحه ۱۱۹۸

^{۲۸}القرطبي، الاستيعاب في معرفة الأصحاب، جلد ۳ صفحه ۱۱۴۰

^{۲۹}المزي، تهذیب الکمال في أسماء الرجال، جلد ۸ صفحه ۲۴۴

^{۳۰}الذهبي، سیر اعلام النبلاء، جلد ۱ صفحه ۴۲۱

^{۳۱}الذهبي، تاریخ الإسلام وَوَفِيَاتِ المشاهير وَالْأعلام، جلد ۲ صفحه ۲۱

^{۳۲}الصفدي، الوافي بالوفيات، جلد ۲۲ صفحه ۲۳۳

^{۳۳}الكتاني، نظم المتناثر من الحديث المتواتر، جلد ۱ صفحه ۱۹۷

۲-۶. سیوطی در خصائص کبری بیان می‌کند: به عمار فرمود: تو را گروه ستمگر خواهد کشت. این حدیث متواتر است و چند ده نفر از صحابه نیز ناقل آن هستند.^{۳۴}

تواتر حدیث عمار نیز طبق بیانات بسیاری از علمای اهل سنت نیز اثبات شد، حال در ادامه به طرح دو شاهد از تفاسیر می‌پردازیم که در آن‌ها نیز به حدیث عمار و توضیح و تفسیر آن نیز پرداخته شده است:

۱-۱. قرطبی ذیل تفسیر آیه ۹ سوره حجرات که درباره نزاع بین دو گروه مسلمان می‌باشد نیز می‌گوید:
فَتَقَرَّرَ عِنْدَ عُلَمَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَثَبَتَ بِدَلِيلِ الدِّينِ أَنَّ عَلِيًّا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ كَانَ إِمَامًا، وَأَنَّ كُلَّ مَنْ خَرَجَ عَلَيْهِ بَاغٍ وَأَنْ قِتَالَهُ وَاجِبٌ حَتَّى يَفِيءَ إِلَى الْحَقِّ وَيَنْقَادَ إِلَى الصَّلْحِ.^{۳۵} به دلیل اینکه نزد علماء اسلام ثابت شده است علی رضی الله عنه امام جامعه مسلمین بوده است، هر کس که بر علیه وی قیام و خروج نماید، به دلیل خروج بر امام ستمگر است حتی اگر از مسلمین باشد و همانا جنگ با ستمگران واجب است تا اینکه به حق و صلح برسند. قرطبی حدیث شهادت عمار را به عنوان شاهدی دیگر بر این مساله نقل می‌کند.

۱-۲. مناوی در فیض القدير با تکیه بر حدیث عمار اینگونه بیان می‌کند: فقهای حجاز و عراق از دو گروه حدیث و رای که بعضی از آن‌ها عبارتند از مالک و شافعی و ابوحنیفه و اوزاعی و جمهور اعظم متکلمین و مسلمین اجماع کردند که علی (علیه السلام) در جنگ با اهل صفین بر حق بود، همچنانکه در جنگ با اهل جمل بر حق بود و همانا کسانی که با وی جنگیدند ظالم بودند.^{۳۶}

یکی دیگر از دلایلی که بر بطلان سپاه معاویه دلالت دارد خروج بر امام جامعه است که به این ترتیب آن‌ها مصداق بارز فئه باغیه هستند و جنگ با آن‌ها نیز واجب است و همان‌ها نیز قاتل جناب عمار هستند.

حال در این مرحله به بررسی جواب‌هایی که معاویه و طرفدارانش داده‌اند پرداخته و درصدد پاسخ به آنها خواهیم بود.

۱-۱. یکی از احادیثی که در منابع متعدد اهل سنت نقل شده است نیز این است: بعد از شهادت جناب عمار، عمروعاص به معاویه معترض شد و گفت حالا که عمار کشته شده است طبق فرمایش پیامبر (صلی الله علیه و اله

^{۳۴} جلال الدین السیوطی، الخصائص الكبرى، جلد ۲ صفحه ۲۳۹

^{۳۵} القرطبی، الجامع لأحكام، جلد ۱۶ صفحه ۳۱۸

^{۳۶} المناوی، فیض القدير شرح الجامع الصغیر، جلد ۶ صفحه ۳۶۵

و سلم) ظلم و ستمگری ما اثبات خواهد شد، حالا چه کنیم؟ معاویه در جواب عمروعاص، پس از توهین به او گفت: آیا ما او را کشتیم؟ همانا علی و اصحابش که او را بین شمشیر و نیزه ما قرار دادند، قاتلان او هستند^{۳۷}.

۱-۲. همچنین امام ذهبی همانند نقل بالا را در کتابش از قول معاویه آورده: پس از کشته شدن عمار، عمروعاص بر معاویه وارد شد و گفت: حالا که طبق فرمایش پیامبر ما فئه باغیه هستیم، چکار کنیم؟ معاویه پس از توهین به او گفت: آیا ما او را کشتیم؟ همانا علی و اصحابش او را کشتند^{۳۸}.

۱-۳. همچنین بیهقی در سنن الکبری حدیث را اینگونه نقل کرده است: پس از شهادت عمار و اعتراض عمرو بن حزم به عمروعاص، او نیز از معاویه در مورد تکلیف جنگ پس از کشته شدن عمار _ که میزان حق و باطل بود _ پرسید؟ معاویه پس از توهین به وی جواب داد: آیا ما او را کشتیم؟ همانا او را علی و اصحابش که به جنگ آوردند، کشتند^{۳۹}.

این ها بخشی از روایات صریحی است که بیان کننده این مساله است که معاویه در زمان شهادت جناب عمار که به واسطه این اتفاق حتی نزدیک ترین افراد به وی هم مستاصل شده بودند، به تاویل و توجیه روی آورده بود که در ادامه پاسخ این توجیه وی داده خواهد شد.

جواب های علماء به توجیه مذکور

۱-۱. ابن کثیر در تاریخ خودش بعد از نقل روایتی که معاویه عمل خودش را توجیه می کند، ذیل آن اینگونه تفسیر می کند: وَهَذَا التَّوِيلُ الَّذِي سَلَكَ مَعَاوِيَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بَعِيدٌ^{۴۰}. و این تاویلی که معاویه برای این قتل و ظلم گفته است، بعید از واقع به نظر می رسد. سپس در ادامه به نقل طرق دیگری از روایت می پردازد.

۱-۲. شعیب ارنووط محقق کتاب سیر اعلام النبلاء ذهبی در حواشی کتاب، این گفته معاویه را به دو دلیل رد می کند:

۱-۲-۱. هذه مغالطة من معاوية، غفر الله له. این حرف مغالطه ای از معاویه است.

^{۳۷} محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، المستدرک علی الصحیحین، جلد ۲ صفحه ۱۶۸ / حدیث ۲۶۶۳

^{۳۸} الذهبي، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام، جلد ۳ صفحه ۵۷۹

^{۳۹} البيهقي، السنن الكبرى، جلد ۸ صفحه ۱۸۹ حدیث ۱۷۲۳۹

^{۴۰} إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري، البداية والنهاية، جلد ۷ صفحه ۲۷۰

۲-۲-۱. قد رد علیه علی، رضی الله عنه، بأن محمدا، صلى الله عليه وسلم، إذا قتل حمزة حين أخرجه^{۴۱}. ارنووط گفته است: اگر حرف معاویه را بپذیریم پس باید قاتل جناب حمزه سید الشهداء را هم رسول اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) بدانیم، زیرا حمزه به دستور پیامبر وارد میدان شده و به شهادت رسیدند.

۳-۱. ذهبی در سیر اعلام النبلاء آورده است که مردی با عمروعاص گفتگو کرده و مساله قتل عمار را به وی یادآور شده است: فَقَالَ: ذَاكَ قَتِيلُكُمْ بِصِفِّينَ، قَالَ: قَدْ -وَاللَّهِ - فَعَلْنَا^{۴۲}. آن مرد به عمروعاص گفت: شما قاتل عمار هستيد، او در جواب گفت: بخدا قسم ما او را کشتيم.

۴-۱. ابن قییم جوزی در صواعق المرسله پس از طرح مساله درگیری دو گروه از طایفه مسلمانان و اشاره به حدیث متواتر فئه باغیه در جواب توجیه معاویه اینگونه جواب می دهد: ابن قییم می گوید: افراد معاویه از پذیرش این کار خودداری کردند و گفتند: ما عمار را نکشتیم بلکه کسانی او را کشتند که زیر نیزه های ما قرارش دادند، ابن قییم جواب می دهد: این تاویل باطلی است که مخالف حقیقت لفظ و ظاهر است، همانا قاتل عمار کسی است که مباشرتا او را به قتل رسانده است، نه کسی که در جنگ(یعنی امیرالمومنین(صلوات الله علیه)) از وی طلب نصرت و یاری کرده است، اگر بخواهیم توجیه معاویه و اصحابش را بپذیریم، پس باید بپذیریم که قاتل جناب حمزه هم رسول الله(صلی الله علیه و آله و سلم) است زیرا جناب حمزه به دستور پیامبر وارد جنگ شد تا اینکه به دست مشرکین به شهادت رسید.^{۴۳}

با بررسی شواهد مذکور حقانیت امیرالمومنین(صلوات الله علیه) در جنگ صفین و تعدی و ظالم بودن سپاه معاویه کاملا مشخص می شود، در ادامه نیز به بررسی اقوال برخی از شارحین درباره این حدیث نیز می پردازیم.

اقوال علماء فرق مسلمین در شرح حدیث فئه باغیه

۱-۱-۱. با کشته شدن عمار در جنگ صفین توسط افراد معاویه راز روایت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که فرمودند: عمار را گروه متجاوز و ظالم می کشند آشکار می شود که علی(صلوات الله علیه) بر حقانیت و معاویه در مدار ظلم بوده است و همچنین این روایت دلیل دیگری بر نبوت رسول الله بوده است.^{۴۴}

۲-۱-۱. ابن کثیر در موضعی دیگر از کتابش می گوید: و حدیث عمار که پیامبر از کشته شدن او توسط گروه ظالمین خبر می دهند نیز از دلائل و معجزات نبوت به شمار می آید، همانا عمار را سپاهیان شام در صفین کشتند

^{۴۱} الذهبي، سير اعلام النبلاء، جلد ۱ صفحه ۴۲۰

^{۴۲} همان، جلد ۳ صفحه ۶۸

^{۴۳} ابن قییم الجوزیه، الصواعق المرسله علی الجهمیه والمعطله، جلد ۱ صفحه ۱۸۵

^{۴۴} إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشي البصري، البداية والنهاية، جلد ۷ صفحه ۲۶۶

در حالی که عمار از طرفداران علی (علیه السلام) بود. و همانا علی در این جنگ حق و معاویه باطل بود، ابن کثیر در ادامه اضافه می‌کند: اینکه سپاهیان شام ظالمان نامیده شده‌اند به معنای کفر آن‌ها نیست.^{۴۵}

۳-۱-۱. ابن کثیر در بخشی دیگر از کتابش نیز می‌گوید: بیان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که عمار سپاه شام را به بهشت دعوت می‌کند و آن‌ها عمار را به بهشت دعوت می‌کنند دال بر بطلان سپاه شام است زیرا عمار آن‌ها را به اتحاد و یکی شدن مسلمانان دعوت می‌کند که دستور دین است ولی اهل شام به کسی دعوت می‌کنند که حق با او نیست و اینکه مردم هر گروهی دور یک امام جمع شوند به معنای افتراق یعنی خلاف وحدت و اختلاف امت است.^{۴۶}

۴-۱-۱. ابن حجر عسقلانی به نقل ابن رجب حنبلی در فتح الباری پس از نقل حدیث عمار از حاکم نیشابوری اینگونه آن را تفسیر می‌کند: قد فسر الحسن البصری الفئته الباغیه بأهل الشام معاویه وأصحابه^{۴۷}. حسن بصری اهل شام را فئه باغیه یعنی معاویه و یارانش می‌داند.

۵-۱-۱. ابن حجر عسقلانی در فتح الباری می‌گوید: حدیث پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که فرمودند عمار را گروه ظالم می‌کشند دلالت واضح بر این دارد که همانا علی و اصحابش بر حق بودند و همانا هر کس با آنان جنگید در تاویلشان بر خطا بودند.^{۴۸}

۶-۱-۱. ابن حجر در موضعی دیگر می‌گوید: قَوْلِهِ تَعَالَىٰ وَإِن طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا أَلَا يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُجْرِمُونَ فِيهَا الْأَمْرُ بِقِتَالِ الْفِئَةِ الْبَاغِيَّةِ وَقَدْ ثَبَتَ أَنَّ مَنْ قَاتَلَ عَلِيًّا كَانُوا بُعَاةً^{۴۹}. بعد از یادآوری آیه ۹ سوره مبارکه حجرات می‌گوید: در این آیه امر به جنگ با گروه ستمگران شده است و قطعاً ثابت شد که هر کس با علی بجنگد ستمگر است.

۷-۱-۱. عسقلانی در بخشی دیگر می‌گوید: دَلَّ حَدِيثُ تَقْتُلُ عَمَارًا الْفِئَةَ الْبَاغِيَّةَ عَلَىٰ أَنَّ عَلِيًّا كَانَ الْمُصِيبَ فِي تِلْكَ الْحَرْبِ لِأَنَّ أَصْحَابَ مُعَاوِيَةَ قَتَلُوهُ^{۵۰}. حدیث عمار دلالت دارد بر این که علی (صلوات الله علیه) در آن جنگ‌ها بر حق بوده است به این دلیل که اصحاب معاویه عمار را به قتل رساندند.

۸-۱-۱. ابن حجر در حالی که امیرالمومنین (صلوات الله علیه) را بر حق می‌داند، برای توجیه جنگیدن معاویه می‌گوید: سپاه معاویه که جزء گروه ستمگران بودند گمان می‌کردند که دعوت به بهشت می‌کنند و در این کار

^{۴۵} همان، جلد ۷ صفحه ۵۳۸

^{۴۶} همان، جلد ۳ صفحه ۲۶۵

^{۴۷} احمد بن رجب الحنبلی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، جلد ۳ صفحه ۳۱۱

^{۴۸} احمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، جلد ۶ صفحه ۶۱۹

^{۴۹} همان، جلد ۱۳ صفحه ۶۷

^{۵۰} همان، جلد ۱۳ صفحه ۸۵

مجتهد بودند و ایرادی بر آنان نیست و به همین خاطر معذور هستند در حالی که عمار به سبب بهشت رفتن یعنی اطاعت علی و گروه ظالم به آتش یعنی اطاعت معاویه دعوت می کردند.^{۵۱}

۴-۱. شوکانی در نیل الاوطار می گوید: **أَنَّ عَلِيًّا وَمَنْ مَعَهُ هُمُ الْمُحِقُّونَ، وَمَعَاوِيَةَ وَمَنْ مَعَهُمْ هُمُ الْمُبْطِلُونَ**^{۵۲}. همانا علی و اصحابش بر حق بوده و معاویه و اصحابش بر باطل بودند.

۵-۱. قسطلانی در حالی که اقرار به حقانیت امیرالمومنین (صلوات الله علیه) می کند برای توجیه کار معاویه می گوید: عمار در جنگ صفین به سبب بهشت و حقانیت یعنی اطاعت امیرالمومنین (صلوات الله علیه) دعوت می کند و طرفداران معاویه او را به باطل دعوت می کنند، اما آن ها معذور هستند زیرا اینگونه اجتهاد و تاویل کرده اند.^{۵۳}

۶-۱. آلوسی در تفسیرش ذیل آیه ۹ سوره حجرات می گوید: معاویه و من معه الباغين علی علی کرم الله تعالی وجهه^{۵۴}. معاویه و اصحابش ستمگر و خروج کننده بر علی کرم الله وجهه هستند.

۷-۱. ابوابراهیم صنعانی در سبیل السلام می گوید: **وَالْحَدِيثُ دَلِيلٌ عَلَى أَنَّ الْفِئَةَ الْبَاغِيَةَ مُعَاوِيَةَ وَمَنْ فِي حِزْبِهِ وَالْفِئَةَ الْمُحِقَّةَ عَلِيًّا - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - وَمَنْ فِي صُحْبَتِهِ**^{۵۵}. حدیث عمار دال بر این است که گروه ستمگر معاویه و یارانش هستند و علی و اصحابش گروهی هستند که حق با آن هاست.

۸-۱. بشار عواد در حاشیه تهذیب الكمال ذیل روایت احمد بن سلیمان رهاوی می گوید: لنا معاویة، ولكن علی. قال بشار: ولكن "إمامه" كان باغياً، وقد اصاب علی فی قتاله^{۵۶}. امام آن ها که معاویه بود ظالم بود و علی (علیه السلام) بر مدار حقانیت در جنگ بود.

نتیجه

در پایان این پژوهش و پس از بررسی اقوال متعدد و مختلف از مهم ترین منابع اهل سنت، شاهد این مساله هستیم که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در بیانات متعددی امیرالمومنین (صلوات الله علیه) را نفس خودشان معرفی کرده اند، بدین صورت که محاربین با حضرت امیر، محاربین با پیامبر یعنی در صف مشرکین ابتدای تبلیغ اسلام هستند و جریان الهی که همواره به دست پیامبر هدایت می شد، به امیرالمومنین (صلوات الله علیه) منتقل شد و

^{۵۱} همان، جلد ۱ صفحه ۵۴۲

^{۵۲} الشوکانی، نیل الاوطار، جلد ۷ صفحه ۱۹۵

^{۵۳} القسطلانی، إرشاد الساری لشرح صحیح البخاری، جلد ۱ صفحه ۴۴۱

^{۵۴} آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، جلد ۱۳ صفحه ۳۱۳

^{۵۵} سبیل السلام/ المؤلف: محمد بن إسماعیل بن صلاح بن محمد الحسني، الكلاني ثم الصنعاني، أبو إبراهيم، عز الدين، المعروف كاسلافه بالأمير

(المتوفى: ۱۱۸۲هـ) الناشر: دار الحديث/ جلد ۲ صفحه ۳۷۵

^{۵۶} تهذیب الكمال فی أسماء الرجال/ المؤلف: يوسف بن عبد الرحمن بن يوسف، أبو الحجاج، جمال الدين ابن الزكي أبي محمد القضاعي الكلبي المزي (المتوفى: ۷۴۲هـ)/ المحقق: د. بشار عواد معروف/ الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت/ الطبعة: الأولى، ۱۴۰۰ - ۱۹۸۰/ جلد ۵ صفحه ۵۷۵

تمام جنگ های ایشان در زمان حضور پیامبر گرامی اسلام و بعد از رحلت ایشان با تایید الهی همراه بوده است و قطعاً کسانی که با ایشان وارد جنگ شده‌اند با رسول خدا جنگیده‌اند.

منابع

سوره مبارکه بقره/آیه ۳۰/ ترجمه مکارم شیرازی

العسبی الکوفی، أبو بکر عبد الله بن محمد بن أبی شیبہ، مصنف ابن ابی شیبہ، تحقیق محمد عوامه، جلد ۱۵، صفحه ۲۱۴، حدیث ۳۸۸۴۲

عسقلانی، ابن حجر، تهذیب التهذیب، جلد ۱۰، صفحه ۳۴۹

لوط بن یحیی، ابومخنف، وقعة الطف، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، قم ایران، جلد ۱، صفحه ۲۱۹

ابن قتیبه، دینوری، الامامة و السياسة، جلد ۱، صفحه ۱۷۹-۲۶۵

الهیثمی، نور الدین علی بن أبی بکر، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، دار الفکر، بیروت - ۱۴۱۲ هـ/جلد ۹ صفحه ۲۶۷/حدیث ۱۴۹۸۹

الهیثمی، نور الدین علی بن أبی بکر، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، دار الفکر، بیروت - ۱۴۱۲ هـ، جلد ۹ صفحه ۲۶۸/حدیث ۱۴۹۹۰

الشیبانی، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد، مسند أحمد، جلد ۱۹ صفحه ۳۶۴، حدیث ۹۳۲۱

الهیثمی، نور الدین علی بن أبی بکر بن سلیمان، كشف الأستار عن زوائد البزار، تحقیق: حبیب الرحمن الأعظمی، الناشر: مؤسسة الرسالة، بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۳۹۹ هـ - ۱۹۷۹ م، جلد ۴، صفحه ۹۷

الأصبهانی، أبو نعیم أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران، معرفة الصحابة، تحقیق: عادل بن یوسف العزازی، الناشر: دار الوطن للنشر، الرياض، الطبعة: الأولى ۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۸ م، جلد ۴، صفحه ۲۰۷۱

النيسابوری، / أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفى عبد القادر عطا/ الناشر: دار الكتب العلمية - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۱ - ۱۹۹۰، جلد ۳ صفحه ۳۴

العسقلاني، أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر (المتوفى: ٨٥٢هـ)، الإصابة في تمييز الصحابة، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلي محمد معوض، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى - ١٤١٥ هـ جلد ١ صفحہ ١٩١

العسقلاني، أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر، الإصابة في تمييز الصحابة، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلي محمد معوض، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى - ١٤١٥ هـ جلد ٤ صفحہ ٢٤٥

النيسابوري، أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني، المستدرک علی الصحیحین، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة: الأولى، ١٤١١ - ١٩٩٠ جلد ٣ صفحہ ١٥٠

بزار، أبو بكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق بن خلاد بن عبید الله العتكي، مسند البزار المنشور باسم البحر الزخار، محقق: محفوظ الرحمن زين الله، (حقق الأجزاء من ١ إلى ٩) وعادل بن سعد (حقق الأجزاء من ١٠ إلى ١٧) وصبري عبد الخالق الشافعي (حقق الجزء ١٨)، الناشر: مكتبة العلوم والحكم - المدينة المنورة، الطبعة: الأولى، (بدأت ١٩٨٨م، وانتهت ٢٠٠٩م)، جلد ٣ صفحہ ٢٦

بزار، أبو بكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق بن خلاد بن عبید الله العتكي، مسند البزار المنشور باسم البحر الزخار، محقق: محفوظ الرحمن زين الله، (حقق الأجزاء من ١ إلى ٩) وعادل بن سعد (حقق الأجزاء من ١٠ إلى ١٧) وصبري عبد الخالق الشافعي (حقق الجزء ١٨)، الناشر: مكتبة العلوم والحكم - المدينة المنورة، الطبعة: الأولى، (بدأت ١٩٨٨م، وانتهت ٢٠٠٩م)، جلد ٢ صفحہ ٢١٥

الطبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، المعجم الأوسط، المحقق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني، الناشر: دار الحرمين - القاهرة/ جلد ٨ صفحہ ٢١٣

الطبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، المعجم الأوسط، المحقق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني، الناشر: دار الحرمين - القاهرة، جلد ٩ صفحہ ١٦٥

ابن عساكر، أبو القاسم علي بن الحسن بن هبة الله، تاريخ دمشق، المحقق: عمرو بن غرامة العمري، الناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع عام النشر: ١٤١٥ هـ - ١٩٩٥ م، جلد ٤٢ صفحہ ٤٦٩

الفاكهي، أبو عبد الله محمد بن إسحاق بن العباس المكي، أخبار مكة في قديم الدهر وحديثه، المحقق: د. عبد الملك عبد الله دهيش، الناشر: دار خضر - بيروت، الطبعة: الثانية، ١٤١٤، جلد ١ صفحہ ٤٧٠

البخارى الجعفي، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله، صحيح البخارى، المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر دار طوق النجاء (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي)، الطبعة: الأولى، ١٤٢٢، جلد ١ صفحہ ٩٧

البخارى الجعفي، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله، صحيح البخارى، المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر دار طوق النجاء (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي)، الطبعة: الأولى، ١٤٢٢، جلد ٤، صفحہ ٢١

النيسابورى، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري، المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي الناشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت، جلد ٤ صفحہ ٢٢٣٦

النيسابورى، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري، المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي الناشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت، جلد ٤ صفحہ ٢٢٣٥

الشيبياني، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون إشراف: د عبد الله بن عبد المحسن التركي، الناشر: مؤسسة الرسالة الطبعة: الأولى، ١٤٢١ هـ - ٢٠٠١ م، جلد ١٨ صفحہ ٣٦٨

ابن معاذ بن معبد، محمد بن حبان بن أحمد بن حبان، التميمي، أبو حاتم، الدارمي، البستي، الإحسان في تقريب صحيح ابن حبان، ترتيب: الأمير علاء الدين على بن بلبان الفارسي (المتوفى: ٧٣٩ هـ) حقه وخرج أحاديثه وعلق عليه: شعيب الأرنؤوط / الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت الطبعة: الأولى، ١٤٠٨ هـ - ١٩٨٨ م، جلد ١٥ صفحہ ٥٥٣

الأشقودرى الألباني، أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، صحيح الجامع الصغير وزيادته، الناشر: المكتب الإسلامي، جلد ٢ صفحہ ١١٩٨

القرطبي، أبو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم النمري، الاستيعاب في معرفة الأصحاب، المحقق: على محمد البجاوي، الناشر: دار الجيل، بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٢ هـ - ١٩٩٢ م، جلد ٣ صفحہ ١١٤٠

المزى، يوسف بن عبد الرحمن بن يوسف، أبو الحجاج، جمال الدين ابن الزكى أبى محمد القضاعى الكلبى، تهذيب الكمال فى أسماء الرجال، المحقق: د. بشار عواد معروف، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت الطبعة: الأولى، ١٤٠٠ - ١٩٨٠، جلد ٨ صفحه ٢٤٤

الذهبي، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قَإِماز، سير أعلام النبلاء، المحقق : مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، الناشر : مؤسسة الرسالة/ الطبعة : الثالثة ، ١٤٠٥ هـ - ١٩٨٥ م، جلد ١ صفحه ٤٢١

الذهبي، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قَإِماز، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام ، المحقق: الدكتور بشار عواد معروف، الناشر: دار الغرب الإسلامى، الطبعة: الأولى، ٢٠٠٣ م، جلد ٢ صفحه ٢١ الصفدى، صلاح الدين خليل بن أيبك بن عبد الله، الوافى بالوفيات، المؤلف: المحقق: أحمد الأرنؤوط وتركى مصطفى، الناشر: دار إحياء التراث - بيروت، عام النشر: ١٤٢٠هـ- ٢٠٠٠م، جلد ٢٢ صفحه ٢٣٣

الكتانى، أبو عبد الله محمد بن أبى الفيض جعفر بن إدريس الحسنى الإدريسي، نظم المتناثر من الحديث المتواتر، المحقق: شرف حجازى، الناشر: دار الكتب السلفية - مصر، الطبعة: الثانية المصححة ذات الفهارس العلمية، جلد ١ صفحه ١٩٧

السيوطى، عبد الرحمن بن أبى بكر، جلال الدين، الخصائص الكبرى، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت جلد ٢ صفحه ٢٣٩

القرطبى، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبى بكر بن فرح الأنصارى الخزرجى شمس الدين، الجامع لأحكام القرآن = تفسير القرطبى، تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، الناشر: دار الكتب المصرية - القاهرة، الطبعة: الثانية، ١٣٨٤هـ - ١٩٦٤ م، جلد ١٦ صفحه ٣١٨

المناوى القاهرى، زين الدين محمد المدعو بعبد الرؤوف بن تاج العارفين بن على بن زين العابدين الحدادى، فيض القدير شرح الجامع الصغير، الناشر: المكتبة التجارية الكبرى - مصر/ الطبعة: الأولى، ١٣٥٦/ جلد ٦ صفحه ٣٦٥

النيسابورى، محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم، المستدرک على الصحيحين، الناشر : دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى ، ١٤١١ - ١٩٩٠، تحقيق : مصطفى عبد القادر عطا، جلد ٢ صفحه ١٦٨، حديث ٢٦٦٣

الذهبي، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام، دار الكتاب العربي،
مكان النشر: لبنان، بيروت، سنة النشر: ١٤٠٧هـ - ١٩٨٧م الطبعة: الأولى تحقيق: د. عمر عبد السلام تدمري،
جلد ٣ صفحه ٥٧٩

البيهقي، أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي، السنن الكبرى، الناشر: مجلس دائرة المعارف النظامية الكائنة في
الهند ببلدة حيدر آباد، الطبعة: الأولى - ١٣٤٤ هـ جلد ٨ صفحه ١٨٩ حديث ١٧٢٣٩

الدمشقي، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري، البداية والنهاية، الناشر: دار الفكر، عام النشر:
١٤٠٧ هـ - ١٩٨٦ م، جلد ٧ صفحه ٢٧٠

الذهبي، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز، سير أعلام النبلاء، المحقق: مجموعة
من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرناؤوط، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الثالثة، ١٤٠٥ هـ، ١٩٨٥ م
جلد ١ صفحه ٤٢٠

الذهبي، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز، سير أعلام النبلاء، المحقق: مجموعة من
المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرناؤوط، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الثالثة، ١٤٠٥ هـ، ١٩٨٥ م، جلد ٣
صفحه ٦٨

ابن قيم الجوزية، محمد بن أبي بكر أيوب الزرعي أبو عبد الله، الصواعق المرسله على الجهمية والمعطله، تحقيق:
د. علي بن محمد الدخيل الله، دار العاصمة - الرياض، الطبعة الثالثة، ١٤١٨ - ١٩٩٨، جلد ١ صفحه ١٨٥

البصري الدمشقي، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي، البداية والنهاية، تحقيق: عبد الله بن عبد
المحسن التركي، الناشر: دار هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان، الطبعة: الأولى، ١٤١٨ هـ - ١٩٩٧ م، سنة
النشر: ١٤٢٤هـ - ٢٠٠٣م، جلد ٧ صفحه ٢٦٦

البصري الدمشقي، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي، البداية والنهاية، تحقيق: عبد الله بن عبد
المحسن التركي، الناشر: دار هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان، الطبعة: الأولى، ١٤١٨ هـ - ١٩٩٧ م، سنة
النشر: ١٤٢٤هـ - ٢٠٠٣م، جلد ٧ صفحه ٥٣٨

البصري الدمشقي، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي، البداية والنهاية، تحقيق: عبد الله بن عبد
المحسن التركي، الناشر: دار هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان، الطبعة: الأولى، ١٤١٨ هـ - ١٩٩٧ م، سنة
النشر: ١٤٢٤هـ - ٢٠٠٣م، جلد ٧ صفحه ٢٦٥

- الحنبلی، زین الدین عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، السّلامی، البغدادی، ثمّ الدمشقی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، تحقیق: محمود بن شعبان بن عبد المقصود، الناشر: مكتبة الغرباء الأثرية - المدينة النبوية، الحقوق: مكتب تحقيق دار الحرمين - القاهرة، الطبعة: الأولى، ١٤١٧ هـ - ١٩٩٦ م، جلد ٣ صفحه ٣١١
- العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل، فتح الباری شرح صحیح البخاری، الناشر: دار المعرفة - بیروت، ١٣٧٩، رقم كتبه وأبوابه وأحاديثه: محمد فؤاد عبد الباقي، قام بإخراجه وصححه وأشرف على طبعه: محب الدين الخطيب، عليه تعليقات العلامة: عبد العزيز بن عبد الله بن باز، جلد ٦ صفحه ٦١٩
- العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل، فتح الباری شرح صحیح البخاری، الناشر: دار المعرفة - بیروت، ١٣٧٩، رقم كتبه وأبوابه وأحاديثه: محمد فؤاد عبد الباقي، قام بإخراجه وصححه وأشرف على طبعه: محب الدين الخطيب، عليه تعليقات العلامة: عبد العزيز بن عبد الله بن باز، جلد ١٣ صفحه ٦٧
- العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل، فتح الباری شرح صحیح البخاری، الناشر: دار المعرفة - بیروت، ١٣٧٩، رقم كتبه وأبوابه وأحاديثه: محمد فؤاد عبد الباقي، قام بإخراجه وصححه وأشرف على طبعه: محب الدين الخطيب، عليه تعليقات العلامة: عبد العزيز بن عبد الله بن باز، جلد ١٣ صفحه ٨٥
- العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل، فتح الباری شرح صحیح البخاری، الناشر: دار المعرفة - بیروت، ١٣٧٩، رقم كتبه وأبوابه وأحاديثه: محمد فؤاد عبد الباقي، قام بإخراجه وصححه وأشرف على طبعه: محب الدين الخطيب، عليه تعليقات العلامة: عبد العزيز بن عبد الله بن باز، جلد ١ صفحه ٥٤٢
- الشوکانی الیمنی، محمد بن علی بن محمد بن عبد الله، نیل الأوطار، تحقیق: عصام الدين الصبابطي، الناشر: دار الحديث، مصر، الطبعة: الأولى، ١٤١٣ هـ - ١٩٩٣ م، جلد ٧ صفحه ١٩٥
- القسطلانی القتیبي المصری، أحمد بن محمد بن أبی بكر بن عبد الملك ، أبو العباس، شهاب الدين، إرشاد الساری لشرح صحیح البخاری، المؤلف: (المتوفى: ٩٢٣هـ)، الناشر: المطبعة الكبرى الأميرية، مصر، الطبعة: السابعة، ١٣٢٣ هـ، جلد ١ صفحه ٤٤١
- الألوسی، شهاب الدين محمود بن عبد الله الحسينی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظيم والسبع المثانی ، المحقق: علی عبد الباری عطية، الناشر: دار الكتب العلمية - بیروت الطبعة: الأولى، ١٤١٥ هـ جلد ١٣ صفحه ٣١٣
- الصنعانی، محمد بن إسماعيل بن صلاح بن محمد الحسنی، الكحلانی، سبل السلام، المؤلف: ، الناشر: دار الحديث، جلد ٢ صفحه ٣٧٥

المزى، يوسف بن عبد الرحمن بن يوسف، أبو الحجاج، جمال الدين ابن الزكى أبى محمد القضاعى الكلبى،
تهذيب الكمال فى أسماء الرجال، المحقق: د. بشار عواد معروف/ الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: الأولى،
١٤٠٠ - ١٩٨٠، جلد ٥ صفحه ٥٧٥